



۲۰۱۵/۰۸/۲۸



انجنیر عبدالصبور صافی

## حکومت وحدت ملی عامل اصلی تشدید جنگ، پاکستان در صدد محاصره کامل افغانستان!

سفرهای متواتر رهبران نظامی و سیاسی پاکستان بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی به کابل صرف یک هدف را دنبال میکرد و آنهم باز نمودن درجه مطمن برای تداوم و تحقق سیاست از قبل تدوین شده در چورچوب "عمق ستراتیژیک" آن کشور در افغانستان، ولی زمامداران افغانستان با وجود این همه سالهای جنگ هنوز هم به نیتات شوم این کشور خبیث پی نبرده و امید داشتند که پاکستان از راهی که برگزیده؛ تغییر مسیر میدهد، در حالیکه این طرز تفکر با درک ضعیف که از پاکستان وجود داشت همراه بود، نفوذ استخبارات پاکستان در دستگاهی دولتی کابل و ضعف ارگان استخباراتی افغانستان که اساس آن در زمان حکومتداری آقای کرزی به شکل بدوی و ضعیف گذاشته شد بصورت نیمه جان تا آخر ماموریت زمامداری کرزی حفظ شد، اصلاً به اهمیت این دستگاه هیچ توجه صورت نگرفت، این ارگان اساسی که حیثیت چشم بینا را دارد نتوانست در چنین شرایط وضع را ارزیابی و از آن تحلیل مشخص تقدیم رهبری دولت کند تا مقام رهبری تکلیف سیاست خود را در قبال پاکستان روشن درک نمایند، بردباری و حوصله مندی رهبران افغانستان و وقت دادن به پاکستان، آن کشور را متقاعد ساخت که افغانستان هنوز هم دچار مشکل در ضعف رهبریت؛ که حکومت وحدت ملی مثل آن است، حالا چه شد آن سفرهای پی در پی ظاهراً دوستانه و صمیمی، که با وجود حسن نیت کابل شعله های جنگ در سراسر کشور افروخته تر گردید، آیا این سفرها جنبه تاکتیکی داشت و یا صادقانه صورت میگرفت، اگر تاکتیکی بود پس در عقب آن کدام اهداف وجود داشت، و اگر صادقانه بود پس نتیجه مثبت آنرا جز جنگ و ویرانی نمیتوان یافت، اینها سؤال های اند که اکنون زمان آن رسیده تا اشتباهات را بر شماریم و راهی خود را بیشتر صاف و روشن سازیم تا به نتیجه مطلوب خویش دست یازیم.

تعویض در رهبری دولت یکی از این عوامل جالب و قابل مطالعه برای پاکستان بود، مقامات پاکستانی از آقای کرزی شناخت کامل و دقیق داشتند از این رو تلاش آقای کرزی برای صلح همیشه بی نتیجه ماند زیرا آقای کرزی از یکطرف بیشتر متکی به مصحلت و فاقد استواری و پایداری در سیاست بود و از طرف دیگر نزد رهبران پاکستان حیثیت همان مهاجر زمان هجرات را داشت، چنانچه پرویز مشرف باری آقای کرزی را در سفر امریکا برخلاف همه عرف دیپلماتیک به شتر مرغ تشبیه کرد، از این رو پاکستان از ناحیه رهبری کرزی تشویش نداشت و پلان های خود را نورمال بدون کم و کاست به پیش میبرد، بعد از به قدرت رسیدن آقای داکتر اشرف غنی که به پایداری و استواری در سیاست و قاطعیت در حرف و عمل مشهور بود برای پاکستان مطالعه، بررسی و کنترل این شخص و نظام جدیدی که در چوکات حکومت وحدت ملی شکل گرفته بود، امر بود مهم و قابل مطالعه، البته پاکستانی ها صرف عقب این معمول نبودند بلکه برای پیاده کردن نقشه های خود، به زمان و بازی مصروف کننده نیاز داشتند تا از یک طرف مطالعه خویش را از رهبری جدید تکمیل کنند و از طرف دیگر حکومت وحدت ملی را بیشتر متفرق ساخته و موقع را برای پیشبرد پلان های خویش مساعد سازند، متأسفانه حکومت وحدت ملی هرگز این بازی را نه درک کرد و نه به آن ارزش داد، بیشتر دست زیر الاشه نشستند، و مصروف چورو چپاول کرسی ها و چنه بازی ها شدند که شکستگی ها و درزهای عمیق حکومت وحدت ملی را به متبلور می ساخت، وحدت ملی صرف با حرف به میان نمی آید تا عمل صادقانه و متفق در همه عرصه ها وجود نداشته باشد، بنأ پاکستان به حرف های میانتهی وحدت ملی بازی نخورده متقاعد شد که درزهای عمیقتر در حکومت وحدت ملی وجود دارد که آشکارا نشان دهنده ضعف آن میباشد و فروپاشی این حکومت را دور از احتمال ندانستند، حکومت وحدت ملی در فکر این که با گذشت ها میتواند حسن نیت خود را به پاکستان نشان دهد در حالیکه یک کشور از پای افتاده و زخمی چه باشد که حسن نیت نشان دهد، پاکستان با دست بالای که در بازی داشت این حسن نیت را ضعف حکومت وحدت ملی تلقی کرده و به

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پاوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

پیشبرد پلان خود همواره تلاش کرد، به این ترتیب دامنه جنگ را وسعت داده و حکومت وحدت ملی را بیشتر زیر فشار و مضيقه قرار داد.

### **علت تداوم جنگ و اهداف:**

یکی از عوامل اساسی جنگ در افغانستان نفاق و فساد گسترده بخصوص در دستگاه حکومت وحدت ملی است، جنگ بالای کرسی های دولتی، ضعف در رهبر، موجودیت سلاح کوت های شخصی، فاصله بین حرف و عمل، کارشکنی در امور امنیتی، موجودیت تعداد زیاد اتباع پاکستانی و ایرانی که در افغانستان به صورت غیر قانونی مصروف کار و بارند میباشد، البته صرف اینها نیستند بلکه عوامل دیگر هم در این امر شامل اند که ذیلاً بر می شماریم.

عامل دیگر که باید به آن جداً و قبل از همه پرداخت درگیر بودن کشور ما در یک جنگ نیابتی است که با خروج قوای شوروی از افغانستان راه برای کشور های ایران، پاکستان، روسیه، چین و هند هموار شد، به عقیده ناظران این کشورها هنوز هم مصروف سربازگیری برای جنگهای نیابتی [آینده] در افغانستان هستند! هر چند شیوه و تاکتیکهای جنگهای نیابتی بگونه تغییر کرده است، طور مثال حرکت طالبان و شبکه حقانی و حزب اسلام گلبدین حکمیار (به نیابت از پاکستان) حزب وحدت اسلامی باشاخ و برگ آن (به نیابت از ایران) در این جنگ حضور فعال دارند و به شکل از اشکال در عرصه سیاسی و نظامی فعال اند، که همین جنگ تباهی کشور را در چهار دهه گذشته رقم زده و هنوز هم کشور درگیر آنست.

رقابت پاکستان با هند و ایران از یک سو، رقابت ایران با امریکا و عربستان از سوی دیگر و رقابت چین با هند و امریکا، مواردی است که میتواند جنگهای نیابتی را همچنان در افغانستان شعله ور داشته باشد. نوع دیگر جنگهای نیابتی بوسیله اجنهای نفوذی کشور های مختلف در پارلمان افغانستان، اردوی ملی، پولیس ملی، وزارت خانه ها و سفارتخانه ها راه اندازی میشود. تلاش برای نفوذ در اردوی ملی به معنای حفظ قدرت نظامی نیابتی است تا اگر حکومت افغانستان به منافع و خواسته های آن کشور توجه نکند، بتواند از طریق کودتای نظامی حکومت را بر طرف کند، جنجال بر سر تعیین وزیر دفاع کشور، اختلاف بر سر کلمات "افغان، دانشگاه و پوهنتون" در پارلمان اساسی ترین نقطه عطف توجه این کشورهاست، بر انداختن حکومت مشروع یمن از طریق حوثی های که در اردوی یمن جابجا شده بودند، را میتوان مثال روشن برای این مدعا دانست.

تلوژیون تمدن را برخی سیاستمداران افغان کانال دوی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران میدانند. ایجاد پوهنتونها با نصاب درسی غیر معیاری و غیر منظور شده در تمام افغانستان، آبادی شهرک های مذهبی و فرقه یی در شهر های کلان افغانستان که گفته میشود ساکنین آن مسلح هستند، فعالیت های دیگری در راستای جنگهای نیابتی در [آینده] است.

فعالیت های مدارس دینی بی شمار در پاکستان که در چهل سال اخیر مصروف شتشیوی مغزی کودکان بی بضاعت افغان بودند و همچنان مدارس و حوزه های دینی در ایران که با ارسال کارشناس و آیت الله ها، جاسوسان خود را به افغانستان در پستهای مهم گماشته اند، از مثالهای بارز سربازگیری برای ادامه جنگهای نیابتی در افغانستان است. این در حالیست که هیچ نوع معلوماتی راجع به هویت این طلبه که در مدارس پاکستان و ایران درس میخوانند در نبود تذکره و کارت شناسایی در دسترس ارگانهای امنیتی موجود نیست.

همچنان نداشتن یک ارگان مجرب امنیتی با تشکیلات وسیع که بتواند جوابگوی نیازمندی های کشور در شرایط کنونی باشد و بالای تمام اعمال آنها تکیه به نفع بیگانه در کشور فعالیت دارند و در این جنگ نیابتی سهیم اند کنترل داشته باشد؛ خلای بزرگ در کار حکومتداری افغانستان محسوب میشود، ضعف ارگان امنیتی و عدم کنترل این ارگان بالای اعمال اجنتان کشورهای شامل این جنگ نیابتی باعث شد که تهداب پدیده شوم داعش از طرف کشورهای دور و نزدیک در افغانستان به سرعت انکشاف نماید.

### **پروژه داعش و وسعت دامنه جنگ!!**

د پاپو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

پاکستان بعد از مطالعه کامل حکومت وحدت ملی و بازی با رهبری کشور با وعده های میانتهی، تروریستان را از وزیرستان به طرف خاک افغانستان سوق داده و در محلات قبلاً پلان شده جابجا کرد، پاکستانی ها میدانستند که ملا عمر چه وقت و در کجا وفات کرده است با وجود این آگاهی بازم با دیده درایی یک گروه را زیر نام نماینده طالبان و ملا عمر در منطقه "مری" به هیت افغانی روی میز مذاکره نشانده، هدف از این بازی صرف موقع پیدا کردن برای تحقق پروژه های بود که اکنون اردوملی و پولیس ملی درگیر پاک کاری آن است، تشکیل گروه مسلح زیر نام [کوماندوهای اسلامی] که مجرب و آموزش دیده به تاکتیکهای نظامی اند و در خاک پاکستان تعلیمات را فرا گرفته اند اکثرأ در شمال در ولایات بدخشان و فاریاب و کندز و در جنوب در ولایات زابل، ارزگان و قندهار متمرکز ساختند، که تعداد شان در جنوب به یک هزار نفر میرسد و مربوط به داعش میباشد که در جریان همین خلی خلی زیر نام روابط حسنه با حکومت وحدت ملی ایجاد کردند، ضمناً پاکستان در این مدت عملاً در مورد تحقق پروژه داعش تلاش بخرچ داد، با استفاده از موقع در طول این ده ماه عملیات های مخفی را زیر نام مبارزه با طالبان پاکستانی در خاک افغانستان برای اكمال این پروژه صرف کرد، ولی افغانستان نیات پاکستان را خوش بینانه نگاه کرد و دست زیر الاشه تماشا کرد، در حالیکه پاکستان یک عده طالبان را که با پاکستان در اختلاف بودند و یا بالا آنها شک همکاری با دولت داشت در ولایات کنر، ننگرهار و بدخشان به دار آویخت، تعداد از نظامیان پاکستان که برای مطالعه جنگ های داعش به سوریه و اعراق اعزام شده بودند با کسب تجارب وسیع برگشتند و پایه های ابتدائی این گروه را تازه بنیاد نهادند، تا از یکطرف تهدید بزرگی باشد برای طالبان و از طرف دیگر گروه متشکل از طالبان و جنگجویان آسیائی میانه را منسجم ساخته بعد از ادغام باهم نامش را نهادند داعش و به طرف آسیائی میانه سوق دادند، پاکستان از این پروژه سه هدف عمده را نشانه گرفت:

- ۱- جلوگیری از ایجاد شهرای ترانزیتی و اخان که چین را با آسیای میانه و از طریق ترکمنستان به اروپا وصل میکند، پاکستان در همین ایام توانست قرارداد ایجاد شهرای بزرگ که "کاشغر" چین را از طریق پنجاب به بندر "گواندر" بلوچستان و از آنجا به اروپا وصل میکند با چین به امضاء رساند، قرار بود این جاده از طریق صوبه خیبرپشتونخوا بگذرد که هم کوتاه تر و هم ساختن آن اقتصادی تر تمام میشد به بهانه جنگ در این منطقه مسیر آنرا از طریق پنجاب تغییر داد.
- ۲- انتقال جنگ از وزیرستان به کشورهای آسیای میانه و ایجاد درد سر به روسیه که در این پروژه هم منافع امریکا و پاکستان تأمین میشود.
- ۳- تحقق پروژه داعش در آسیای میانه به پاکستان این امکان را میدهد که افغانستان را در محاصره کامل قرار داده و مجال حرف و حرکت را به افغانستان باقی نگذارد جز اینکه به خواست های پاکستان سر تسلیم فرود آورد. تحقق پروژه داعش در آسیای میانه یکی از اهداف است که به پلان [عمق استراتژیک] پاکستان همخوانی دارد، بعضی از اعضای شورای ملی و یک عده از مبصرین در میزهای گرد تلویزیون ها خاطر نشان میکنند که اگر امریکا در آسیای میانه پلان دارد پس نباید افغانستان را قربانی نماید بلکه از طریق افغانستان ترانزیت بگذرد این نظر از بنیاد غلط است، زیرا این پروژه از طریق پاکستان و به کمک پاکستان و حمایت مالی امریکاعملی میشود، پس تحقق این پروژه در آسیای میانه تضمین کننده منافع پاکستان است و پس، پیروزی داعش در آسیای میانه به معنی به محاصره کشیدن افغانستان است و چیزی دیگر به افغانها به ارمغان نخواهد آورد.

### عامل تشدید جنگ و ویرانی:

قسمیکه در فوق اشاره کردم یکی از اساسی ترین عامل تشدید جنگ اختلافات در حکومت وحدت ملی است، و این اختلافات سبب شده است که پاکستان به پیروزی خود مطمئن شود و با تزیید اختلافات به تشدید جنگ بپردازد، هر چند اگر شفاهی گفته شود که در حکومت وحدت ملی هیچ اختلاف وجود ندارد، امروز دست استخبارات پاکستان و ایران آنقدر در دستگاه دولت بالا است که در یک لحظ از همه چیز میتوانند آگاه شوند، چطور میتوان پنهان کرد که داکتر غنی یک عده را به اتهام اختلاص و فساد بر طرف میکند ولی رئیس اجرائیه همین اشخاص مفسد را دوباره مقرر میکند، سیاسیون شامل در دولت هم در میخ می کوبند و هم در نعل، کسی جبهه میسازد و کسی سلاح توزیع میکند و آقای محقق معاون رئیس اجرائیه از علی اکبر ولایتی درخواست کمک جهت مبارزه با داعش میکند، و به افراد خود سلاح توزیع میدارد، این سلاح از کجا، کی، و چطور بدست آمده؟ هیچ کس هم نیست که پرسان وجویان کند، اگر کسی سؤال کند باز از طرف یک عده معلوم الحال به نقض توافقنامه بین حکومت وحدت ملی متهم میشود، فرخنده به قتل میرسید محکمه شخص را که ۲۷ ساله است ۱۶ ساله قلمداد میکند و از جزاء اعدام برأت میدهد، کابل

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلنیکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

بانک بررسی میشود همان افراد که قبلاً مجرم شناخته شده بودند بنا به هردلیل که است باز هم همان افراد متهم میشوند درحالیکه متهمین اصلی آزادانه چکر میزنند، حال از کی باید گلایه کرد و رئیس جمهور کیه را ازوظیفه برطرف کند، درحالیکه همه دستگاه فاسد و ضد منافع ملی است، همین سیاستیون بدون درنظرداشت موقف خود پالیسی دولت را زیرپامیکنند و به تمویل کننده گان خود پناه میبرند این عمل نتنها اینکه باعث ضعف حکومت مرکزی شده است، ناززایتی های را بین مردم عوام نیز بیارآورده است، چنین عملکرد عملاً به دشمن نویدی پیروزی میدهند، سیاستیون بدون اینکه منافع ملی را درنظرداشته باشند درصدد منافع شخصی و کشور تمویل کننده خود اند، وبنام اینکه مجاهدین از صحنه حذف شدند سروصدا ها براه می اندازند، دراین مورد اگر خوب دقت کنیم به این سؤال میرسیم که سهم ما از این همه [جهاد] چند مرحله ئی چه رسیده است بدون اینکه منافع کشورهای ارباب را تأمین کرده باشیم، یک عده هم به سرمایه خود افزوده اند، شهرکها ساختند ولی برای ثابت سیاسی هیچ تلاشی صورت نگرفته زیرا یکعده از آمدن صلح وثبات درهراس اند، خرد سیاسی اصلاً جای خود را به معامله گری خویشخوری و چنه بازی روی کرسی های دولتی داده است، درچنین حالت چطور میتوان از امنیت و صلح صحبت کرد، چطورمیتوان از حقوق مردم حرف زد، چطورمیتوان قانون وقانونمندی را اصل قرارداد، درحالیکه بالاترین ها در قدم اول در نقض قانون دست بالا دارند با وجود این جنگ و ویرانی، کشور فاقد وزیر دفاع است.

### **مهارکردن پاکستان بدون رویا روی!**

در قدم اول باید حکومت وحدت ملی یک دست و به یک رهبری واحد بعیت کند و همه اختلافات کنار گذاشته شود، سیاستیون منافع ملی را به صورت صادقانه محترم بشمارند. در قدم دوم امریکا منحنیت کشورتمویل کننده به این امرمتقاعدشود اگر صادقانه علیه تروریزم در افغانستان مبارزه میکند باید تمام کمک های خود را به پاکستان به کلی قطع نماید لازم است امریکا موقف خود را درمورد تروریزم روشن سازد، یا با تروریزم همکاریباشد ویا با ضد تروریزم کمک به هر دو طرف جوانان امریکایی رانیز می بلعد، با روشن شدن موقف امریکا سایر کشورهای درگیر جنگ با تروریزم مثل افغانستان به وجه احسن میتواند به مشکلات موجود فایق آید، به نقل از "اسوشتید پرس" درماه "می" سال روان امریکا ۳۳۶ میلیون دالر به خاطر مبارز با طالبان در افغانستان برای پاکستان تادیه کرده است، اگر این پول به ضد طالبان به مصرف رسیده است پس این تشدید جنگ درافغانستان، ایجاد کوماندوهای اسلامی و تشکیل داعش از کجا تمویل شد و میشوند؟؟ اکنون اگر امریکا صادقانه این پول را بخاطرمبارزه با طالبان پرداخته ازپاکستان باید حساب بگیرد، عدم حساب گیری وشفاهیت درمصرف این پول به مفهوم عدم صداقت امریکا در مبارزه با تروریزم و نقض توافقتنامه امنیتی با افغانستان خواهدبود.

قدم سوم کشانیدن منطقه درمبارزه با تروریزم وتلاش بلاوقفه دراین عرصه وظایف، ظرفیت ها، امکانات وکمک های لازم و عملی درساحه نظامی وکشفی هر یک را ارزیابی کرده تا عملاً بتواند در مهارجنگ سهم بگیرد، سفرهای جناب رئیس جمهور به چین، کشورهای آسیای میانه و فدراسیون روسیه و دیداراش با آقای پوتین و صحبت های درخصوص همکاری کشور های منطقه درمهار تروریزم گام ارزنده بود که باید به آن جنبه عملی داده شود، بهتر است دراین خصوص یک قرارگاه مشترک نظامی وکشفی تدارک دیده شود که هرلحظ باهم درارتباط باشندو کانال های عبورومرور راه های تدارکاتی و مراکز باند های تروریستی تثبیت وهدف حملات هوائی و زمینی قرارگیرند وتشریک مساعی در مبارزه علیه تروریزم به شکل عملی آن صورت گیرد.

در قدم چارم افغانستان ظرفیت های زیادی در پاکستان دارد که میتواند با استفاده موثر از آن پاکستان را به زانو درآورد بدون سرو صدا، اعلامیه علمای کشور که جهاد را در پاکستان روا دانستند و این امر مورد تائید طالبان پاکستان قرار گرفت یک نوید خوب برای افغانستان است، تا از افراد خاص این گروه درموارد مشخص و عملیات های سازماندهی شده استفاده شود، حمایت از آزادی بلوچ های پاکستان درصوبه بلوچستان که شارگ اساسی پاکستان محسوب میگردد و ذخایرگاز پاکستان از این صوبه سرچشمه میگیرد بسیار قابل اهمیت است، نباید فراموش کرد که "ای اس ای" دربین بلوچ ها مهره های خود را دارند، با استفاده از این امکانات وارد کردن دوضربه دربدل هرضربه پاکستان نیازه ایجاد همکاری تنگاتنگ و کوردنی کردن این عملیات ها با سازمان امنیت هندوستان برای افغانستان در حال حاضر نهایت حیاتی است، هندوستان دراین خصوص از تجارب و ظرفیتهای خوب

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

برخورداراست و چانس بالاتر برای وارد آوردن فشار بالای پاکستان را دارد به یقین که چنین پیشنهاد را هندوستان با پیشانی باز استقبال خواهد کرد. ، به این ترتیب میتوان پاکستان را به زانو درآورد و چاره جز صلح را نخواهد داشت در آن صورت این افغانستان خواهد بود که برای آوردن صلح حرف اول را بزند نه پاکستان.

پایان

رویکردها:

جنگهای نیابتی از مقاله داکتر محمد خالد

افغانستان زیر فشار یک بازی بزرگ

مقاله داکتر سید عبدالله کاظم

یادداشت ها رازق مامون

سایت رادیو آزادی

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ